

شرح صدر

صبر و استقامت

در قسمتهای گذشته درباره آگاهی، سیاست، حسن خلق، رفق، فاطمیت، انتقادپذیری و تعاف، و رابطه این خصال با شرح صدر و مدیریت مطالبی تقدیم خوانندگان گرامی شد و سخن به نفس آفرینهای امید، و رابطه این خصلت با مدیریت شرح صدر رسید و اینک ادامه بحث:

شرح صدر و امید

برای پیدا کردن رابطه عنصر امید و شرح صدر باید حساب کرد که اصولاً چرا انسان ناامید می شود، و علت اصلی نومیدی چیست؟، چرا بعضی از مردم در برخورد با مشکلات زود حالت یأس و نومیدی بآنها دست می دهد و برخی دیگر در سخت ترین شرایط، امیدوارند و دست از تلاش برای رسیدن به مقصود بر نمی دارند؟

پاسخ اینست که علت اصلی یأس و نومیدی در برخورد با سختیها، کم ظرفیتی است، اشخاص کم ظرفیت توان لازم را برای برخورد با مشکلات ندارند و لذا خیلی زود می بزنند و کابوس یأس آنها را فرا می گیرد. اما جامع علوم انسانی و روش کاغذی انسان و در این رابطه می گوید: افراد کم ظرفیت نه تنها توان برخورد صحیح با مشکلات را ندارند بلکه توان برخورد درست با خوشیها نیز از آنها سلب شده است، و لذا هم در خوشی خود را گم می کنند و هم در ناخوشی. این مسأله بدلیل اهمیت فوق العاده آن در انسان شناسی، و بازسازی انسانیت آدمی در قرآن کریم بطور مکرر و بصورتیهای گوناگون مطرح شده است. در سوره روم آیه ۳۶ می خوانیم:

«وَاِذَا اَذْقَمْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَاِنْ نَصَبْنَاهُمْ سَبْئَةً يَبْاْقِدْمَتِ اِبْدِيْهِمْ اِذَا هُمْ يَفْتَنُوْنَ»

هنگامی که کمی طعم رحمت به مردم بچشایم خوشحال می شوند و هرگاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنها برسد ناگهان مأیوس و ناامید می گردند.

در سوره اسراء آیه ۸۳ می خوانیم:

«وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأْبَاهُجَهُ وَإِذَا مَتَّهَ الشَّرْكَانَ يَوْمَأً»

هنگامی که به انسان نعمت دهیم «از حق» روی می گرداند و با حالت کبر و غرور فاصله می گیرد، و وقتی که کمترین ناراحتی به او دست میدهد یأس و نومیدی بر او مسلط می گردد. و در سوره فصلت آیه ۴۸ و ۴۹ ملاحظه می کنیم:

«لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانَ مِنْ دَعَاةِ الْخَيْرِ وَاِنْ مَتَّهَ الشَّرْفِ فَيُؤْسِ قَنُوطَ. وَاِنْ اذْقَاهُ رَحْمَةً مِّنَا مِنْ بَعْدِ ضَرْبٍ مِّنْهُ لَيَقُولُنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً...»

آری انسان از طلب خیر خسته نمی شود ولی همینکه دچار شرم می گردد خیلی زود نومید و مأیوس می گردد. و اگر رحمتی از خود به او بچشایم مخصوصاً پس از بلائی که باور رسیده باشد حتماً می گوید این از کارهای خودم بود و من اصلاً گمان نمی کنم قیامت برپا گردد...

این حالت، حال طبیعی عموم افراد کم ظرفیت است که توان برخورد با خوشی و ناخوشی را ندارند، در خوشی مغرور و خودپسند می شوند. ضعفها و ناتوانیهای خود و همچنین ولی نعمت خود را فراموش می کنند از حق اعراض می کنند و از حقیقت و حقیقت جویان و حقوقجویان فاصله می گیرند. و منکر حقایق عقلی می گردند، و در ناخوشی زود می بزنند و عرصه گیتی را بر خود تنگ می بینند و یأس و نومیدی سر تا پای وجود آنها را فرا می گیرد.

اکنون که عامل اصلی نومیدی را شناختیم به سادگی می توانیم رابطه شرح صدر و امید را پیدا کنیم، چون شرح صدر چیزی جز گسترش ظرفیت فکری و روحی انسان نیست، و بر این اساس عوامل شرح صدر اسباب ایجاد امید در انسان نیز هستند، این عوامل و اسباب را در آینده بطور مبسوط توضیح خواهیم داد ولی آنچه در اینجا به تناسب مباحث گذشته جالب توجه است شناخت اجمالی عوامل اصلی شرح صدر و بالا رفتن ظرفیت روانی انسان در ارتباط با امید در سختیها و حفظ تعادل در خوشیها است که در سوره معارج و سوره هود پس از طرح توان انسانهای کم ظرفیت در برخورد با خوشیها و ناخوشیها به آن اشاره شده است:

در سوره معارج آیه ۱۹ و آیات بعد از آن می خوانیم:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعاً. إِذَا مَسَّ الشَّرَّ جُوعاً وَإِذَا مَسَّ الْخَيْرَ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ...»

سایر صفات است، ارتباط شرح صدر و صبر هم ارتباطی بسیار نزدیک و قوی است.

زیرا همانطور که قبلاً توضیح دادیم که شرح صدر عبارتست از ظرفیت داشتن جان برای ادراکات و احساساتی که بر آن وارد می‌گردد، قلبی که نه احساس خوشی آنرا پر می‌کند و نه احساس ناخوشی، و نه در اوج قدرت لبریز می‌شود و نه در حسیض ذلت، با ظرفیت است، و صاحب‌دلی اینچنین، دارای شرح صدر می‌باشد.

یک شاخه شرح صدر یعنی ظرفیت دل در رابطه با احساس ناملایمات، صبر و استقامت نامیده می‌شود.

اصولاً مدیریت، برخورد انسان با مشکلات اهدافی است که برای تحقق آن تلاش می‌کند، و در شرایط خاصی مانند شرایط کنونی جمهوری اسلامی به میزان گسترده‌گی و عمق مشکلات، مدیریت سختیهای بیشتری دارد و لذا صبر و استقامت از لوازم اجتناب‌ناپذیر و قطعی مدیریت است، و تنها کسی می‌تواند این مسئولیت را تا به آخر درست انجام دهد که پرحوصله مقاوم و صبور باشد.

نقش صبر و مقاومت در کارها تا آنجا است که اگر این عنصر از کارها برداشته شود سایر عناصری که می‌توانند در تحقق هدف، انسان را یاری کنند بی‌نتیجه می‌شوند، بگفته امام علی علیه السلام:

«الصبر فی الأمور بمنزلة الرأس من الجسد فإذا فارق الرأس الجسد فسد الجسد، وإذا فارق الصبر الأمور، فسدت الأمور»^۱.

نقش صبر در کارها، نقش سر در بدن است، همانطور که وقتی سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، وقتی صبر از کارها جدا گردد کارها تباه می‌گردند.

حضرت عیسی علیه السلام نیز می‌فرمود:

«انکم لا تدرکون ماتحیون إلا بصبرکم علی مانکرهون»^۲.

تحقیقاً شما نمی‌توانید به آنچه دوست دارید برسید مگر در صورتیکه بر آنچه دوست ندارید صبر و مقاومت کنید.

نکته‌ای که در پایان این بحث اشاره به آن ضروری است اینست که واسطه بودن صبر و مقاومت در تحقق اهداف بویژه هدفهای بزرگ یک سنت قطعی الهی است که بدون آن حتی پیامبران بزرگ خداوند متعال هم نمی‌توانند اهداف مدیریتی خود را محقق سازند و لذا قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام می‌گوید:

«فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل»^۳.

توهم مانند پیامبران اولوالعزم صبر و مقاومت پیشه کن.

که بدون صبر و استقامت و چشیدن طعم تلخ مشکلات نمی‌توانی رسالت خود را در رهبری و مدیریت جامعه و تحقق اهداف الهی و آرمانهای اسلامی انجام دهی.

در مقالات آینده عوامل شرح صدر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ادامه دارد

بتحقیق که انسان به شدت حرص آفریده شده هنگام برخورد با شرور و ناملایمات بسیاری تابی می‌کند، و چون به خیر می‌رسد از اتفاق به دیگران سخت امتناع می‌ورزد مگر افراد نمازگزار...

و در سوره هود آیه ۹ و آیات بعد از آن می‌خوانیم:

«ولئن اذقنا الإنسان منا رحمة ثم نزعناها منه إنه لیؤس کلور و لئن اذقناه نعماء بعد هزءه منه لیقولن ذهب السیأت عنی إنه لفرح فخور، إلا الذین صبروا و عملوا الصالحات...».

اگر به انسان طعم نعمتی بچشیم سپس آنرا از او بگیریم بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود. و اگر نعمتهایی پس از شدت و ناراحتی به او برسانیم می‌گوید مشکلات از من برطرف شد، او در شادی و فخر فروشی سخت فرق می‌شود، مگر کسانی که اهل صبر و عمل شایسته هستند...

در این آیات تصریح شده که انسان بطور طبیعی توان و ظرفیت برخورد با مشکلات را ندارد، در ناخوشیها بی‌تابی می‌کند و ناامید می‌گردد و در خوشیها خود را گم می‌نماید و از اینکه دیگران در سایه راحتی او به راحتی برسند و از خوشی او بهره‌مند شوند بخل می‌ورزد و امتناع می‌کند، این یک مطلب که در آیات قبلی هم با الفاظ دیگری این معانی آمده است.

ولی در سوره «معارج» و «هود» پس از تبیین عدم توان و ظرفیت عامه مردم در برخورد با مشکلات، عده‌ای از این عموم استثناء شده‌اند، در سوره «معارج» افرادی که پیوسته اهل نماز هستند، اهل اتفاق هستند، عملاً قیامت را باور داشته باشند، از نظر جنسی بتوانند خود را کنترل کنند، اهل امانت باشند و از تحمّل شهادت «گواهی» و اداء آن استکفاف نمایند. و در سوره «هود» کسانی که اهل صبر و مقاومت و عمل شایسته باشند بعنوان افرادی معرفی شده‌اند که توان و ظرفیت برخورد درست با خوشیها و ناخوشیها را دارند.

در سوره «معارج» ویژگیهای افراد مستثنی، خلاصه‌تر و در سوره «هود» مشروح‌تر بیان شده است.

و به سخن دیگر اگر کسی اهل مقاومت و عمل صالح شد، توان و ظرفیت و شرح صدری پیدا می‌کند که در خوشی و ناخوشی آنگونه که باید عمل خواهد کرد، نه در خوشی خود را گم می‌کند و نه در مشکلات مایوس می‌شود و بدین ترتیب یکی از اصلی‌ترین اصول اخلاقی در مدیریت را احراز می‌نماید.

۹- صبر و استقامت

نهمین صفت از صفاتی که مدیر شایسته باید واجد آن باشد صبر و استقامت است.

همانطور که در آیه ۱۱ از سوره «هود» «إلا الذین صبروا و عملوا الصالحات» ملاحظه فرمودید، صبر در کنار سایر اعمال شایسته تنها خصلتی است که از دیدگاه قرآن کریم در انسان، توان برخورد صحیح، با خوشیها و ناخوشیها را ایجاد می‌نماید. ما هم در کنار سایر صفاتی که برای یک مدیر شایسته لازم است و در گذشته شرح این صفات را ملاحظه فرمودید، صفت صبر را بعنوان آخرین و مهمترین و ضروری‌ترین صفاتی که برای مدیریت لازم است مطرح می‌کنیم.

اصولاً سایر صفاتی که برای مدیر و مدیریت ضروری است، در تحقق نیاز به صبر و مقاومت دارند و از این دید می‌توان گفت صفت صبر اساس و زیربنای

۱- میزان الحکمه حدیث ۱۰۰۶۴.
۲- میزان الحکمه حدیث ۱۰۰۲۱.
۳- سوره احقاف آیه ۳۵.